احسان آرینزی ۲۰۱۶/۱۱/۰۲

روز های دشوار وطن

حالا روز های است که از حضور فعال سیاسی، تبلیغاتی، مالی، لوژستیکی، استخباراتی و نظامی ابر قدرت روی زمین، ایالات متحده امریکا و متحدین ناتو در افغانستان پانزده سال سپری شده و روز های خونین و دردناک سال شانزدهم از مردم افغانستان قربانی میگیرد.
در ماههای اخیر کشور عزیز ما با حوادث جانکاهی دست و پنجه نرم میکند. در بدخشان بر سر معادن لاجورد، موقعیت ستراتیژیک و اهداف فرامنطقوی جنگ است. کندز بار دوم بمدت کوتاهی سقوط کرد؛ ولی تقریباً تمام جغرافیای ولایت از کنترول موثر دولت بیرون است، بغلان نارام است و یکی دو بار طالبان تا مرکز موقت ولایت دست درازی کردند، فاریاب و جوزجان بحدی ناامن شده که برای چندمین بار پای ستر جنرال عبدالرشید دوستم معاون اول ریاست جمهوری را بدانجا کشانید.
طبیعی است که وقتی این جنرال کار کشته با نیروهای کافی به فاریاب و جوزجان میرسد، طالبان عقب می نشینند؛ ولی وقتیکه جنرال بر میگردد، طالبان نیز بر میگردند و دوباره همان آش میشود و همان کاسه!
درین ماه ها طالبان تا دروازه های شهر های لشکر گاه و فراه رسیدند. گاهی خبر میرسید که جنگ بداخل مراکز شهرها رسیده و مردم بیچاره و بیوسیله، زن و مردم و پیر و جوان با پای پیاده فرار را بر قرار ترجیح داده و دار و ندار زندگی مختصر خود را رها میکردند.
ارزگان نیز مانند هلمند و فراه رنج میبرد. نه مکتب است و نه شفاخانه ای، نه عدالتی است و نه قاضی ایکه بر مسند حضرت عمر فاروق نشسته باشد.
درینجا وضع بدتر هم است و گاهی شنیده میشود که افسران و سربازان اردو و پولیس بعلت اکمالات غیرمسلکی ارگان های مربوطه و کمبود نان و آب و مرمی و دوا و داکتر با مخالفین یکجا میشوند.
اکثریت ولسوالی های غزنی و وردک عملاً از کنترول دولت مرکزی بیرون بوده و مردم برای حل و فصل دعاوی خود نزد موی سپیدان محل و یا طالبان مراجعه میکنند. درست است که تعمیرات ولسوالی ها در اختیار دولت است، اما این ولسوالی های هیچ یک از خدماتی را که یک دولت مسوول باید انجام دهد، انجام نمیدهند و یا داده نمی توانند.
صدای پای داعش در ننگرهار و حتی غور این بار بلندتر شنیده میشود. ولسوالی های تقریباً آرام پچیروآگام و نازیان و کوتِ ننگرهار به آتشکده های مبدل شده و هر روز ده ها انسان سر به نیست میشوند، هستی ها برباد میرود و خانه ها آتش زده میشوند.
درین روز ها متاسفانه غور از نظر ها افتاده و بیچارهء ما در سوگ فرزندان غریبکار خود نوحه میکند. دشمن جاهل و دستوری خانواده های را ماتمدار ساخته که شاید نان خوردن خود را نداشته باشند.
و اگر همینطوری پیش برویم و حساب کنیم، متاسفانه 90% جغرافیای وطن در آتش جنگ و سیاست و فقر و بیچاره گی و بیکاری و ناداری و بی عدالتی سوخته میرود و ماهر روز شاهد شهدای بیشتر، هلاک شده گان بیشتر زخمی های بیشتر، ویرانی های بیشتر، بی اتفاهی های بیشتر، مداخله های قویتر و دشمنی های بیشتر شده میرویم.
آنچه که درین میان بسیار مائوس کننده است، موضعگیری های دولتمردان کشور است که بدون ترس از خدا و آهِ مردم افغانستان، برای رسیدن به منافع مالی، سیاسی، سمتی، تنظیمی، گروهی و علاقمندی های سلیقوی ناثواب زبان، مذهب، قریه و قبیله، به سر و روی هم میزنند، نهاد های معتبر ملی را ضعیف میسازند، روحیه فرزندان وطن را در اردو، پولیس و امنیت ملی خدشه دار میسازند و اعتماد ملی را کاهش میدهند.
دولتمردان افغانستان باید بدانند و بفهمند که بسیاری شان لیاقت رهبری این وطن بزرگ و این مردم شریف را ندارند و بطور تصادفی و یا در نتیجه بازی های استخبارتی منطقه و جهان تا اینجا پیش رفته و بقدرت رسانیده شده اند.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

این ها باید تلاش نمایند تا بر مشکلاتی فایق آینده که مردم و کشور با آنها روبروست، تا خود از سرمایه های ملیون دالری و آرمگاه و بارگاه و نعمات بادآورده استفاده نموده و کیف کنند. خود اینها نباید خالق مشکلات بیشتر و جدی تر و خونین تر شوند که عمر آدمی کوتاه ولی قضاوت تاریخ ابدی است.
دولتمردان حاضر باید به آن های فکر کنند که سکه بنام شان ضرب میشده؛ ولی امروزه وجود ندارند؛ ولی از قضاوت تاریخ جلوگری کرده نیمتوانند.
روزی شاید نام اینها نیز با خط درشت ولی سیاه درج صفحات تاریخ افغانستان خواهد شد!

پایان

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ